

وَالنَّارُ خَالِدَةٌ أَنْفَاسٍ مَرَاتِفٍ

انسان که توان فرموده و هر چه بود از جان و اندوه بپس یا بر طاق

عَلَيْهِ وَالنَّارُ سُلْطَى الْعِزِّ مِنْ سَدَمٍ

در یا های کائنات از نور و نور از نور و نور از نور

وَسَاءَ نَسَاوَتُ أَنْ غَاضَتْ بِحَيِّوَتِهَا

تکلیف که از این اهل سوره را از یک نور و نور در یا های سوره

وَرِقَّةٌ وَارِدُهَا بِالغَيْظِ حِينَ ظَمِ

ر در ده نشود و وارد شود در یا از چشم در سینه که نشود

كَانَ بِالنَّارِ مَا بِالْمَاءِ مِنْ بَلِيلٍ

که با که از یک حاصل است با آب از تری حاصل است بر آبش

حُرْنَاوًا بِالْمَاءِ مَا بِالنَّارِ مِنْ ضَرْمٍ

چون که حاصل است بر آب از تری که نشود در و در و در و در

وَالْبَيْنُ تَقِيْفٌ وَالْأَنْوَارُ سَاطِعَةٌ

بر میان او از میگردند و نور بپسندند

وَالنَّارُ

وَالنَّارُ خَالِدَةٌ أَنْفَاسٍ مَرَاتِفٍ

من نبوت ثابت بود و هر چه بود از جان و اندوه بپس یا بر طاق

عَمُّوْهُمْ وَصَمَّوْا فَاغْلَانُ الْبَشَائِرِ لَمْ

گوشتند که زبان و گوشتند که زبان بر سینه که نشود در و در و در و در

يَسْمَعُ وَبَارِقَةٌ لِأَنْزَارِ لَمْ تَسْمِعْ

بینه در شنیدن از نزار دیده نشود

مِنْ بَعْدِ مَا أَخْبَرَ الْأَقْوَامَ كَالهَمِّ

از بسکه خبر دلداده اند اقوام که این است آن بینه که نشود

بِأَنَّ دِينَهُمُ الْمَوْجُ لَمْ يَقُمْ

در سینه که این که از آن که است است نیست و نمیشود

وَبَعْدَ مَا عَانِيُوا فِي الْأَفْقِ مِنْ شَهْبٍ

از بسکه خبر دلداده اند که نشود در و در و در و در و در و در و در و در

مُنْقَضٍ وَفَوْقَ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ صَبْمٍ

نور از بند است موافق از یک که در زمین است از است بینه در و در و در و در و در و در و در و در

وَالنَّارُ